

Hijab, Cultural Assimilation, and Discourse Formation in Islamic Civilization

Fariba Shaygan¹

Type of article: A Research Paper

Received: 06/02/2025

Accepted: 22/04/2025

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.10/NO.2 (serial 36)/Summer 2025*151-186



DOI: 10.1022034/SSJ.2025.104423

Abstract

Background and aim: In Islamic civilization, hijab is considered a means of safeguarding human dignity, strengthening social bonds, and preserving moral values. Observance of hijab has increasingly been recognized worldwide as a symbol of the emerging modern Islamic civilization. This study examines how hijab, as a religious-cultural practice, contributes to discourse formation and the development of Islamic civilization.

Method: This applied research uses a qualitative approach and employs directed content analysis through semi-structured interviews. Participants were selected purposefully based on relevant criteria, including university professors in cultural studies and researchers in Islamic women's issues. A total of 17 experts were interviewed until theoretical saturation was achieved. Validity was ensured through the three criteria of credibility, dependability, and confirmability.

Results: To answer the question “How can the culture of hijab be institutionalized in society?” 66 concepts were categorized into 10 themes. In response to “What is the role of hijab discourse in building Islamic civilization?” 24 concepts were grouped into 4 themes. Additionally, 39 concepts in 7 themes addressed the question “What is the role of hijab in Islamic civilization building?”

Conclusion: Participants suggested the promotion of hijab through long-term value reinforcement, family support, teaching hijab acceptance, awareness-raising, positive role models, artistic and media promotion, logical reasoning for hijab, government support, strengthening religious aspects, and attention to aesthetics. The discourse-building role of hijab in Islamic civilization was highlighted through showcasing successful veiled women, identity-, religion-, and ethics-based discourse, non-verbal hijab communication, and media discourse. Hijab's role in civilization-building included being a symbol of Islamic civilization, representation through successful veiled women, stylish and attractive hijab, civilizational discourse of hijab, veiled women's presence in global forums, media portrayal of hijab, and hijab as an identity and civilizational symbol.

Keywords: Hijab, cultural assimilation, institutionalization, discourse formation, Islamic civilization.

1. Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Organizational Resources, Amin University of Law Enforcement Sciences, Tehran, Iran, shayegan_fa@yahoo.com

حجاب، فرهنگ‌پذیری و گفتمان‌سازی تمدن اسلامی

فریبا شایگان^۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/ سال دهم/ شماره ۲ (پیاپی ۳۶) - تابستان ۱۴۰۴* ۱۵۱-۱۸۶



DOI: 10.1022034/SSJ.2025.104423

چکیده

زمینه و هدف: در تمدن اسلامی، حجاب به‌عنوان عنصری برای تأمین کرامت انسانی، تقویت پیوندهای اجتماعی و حفظ ارزش‌های اخلاقی موردتوجه بوده و رعایت حجاب به‌عنوان نمادی از تمدن نوین اسلامی موردتوجه جهان قرار گرفته‌است. این پژوهش با توجه به تأثیر حجاب در گفتمان‌سازی تمدن اسلامی، به چگونگی نقش‌آفرینی حجاب به‌عنوان یک فرهنگ دینی در این زمینه می‌پردازد.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای جهت‌دار با مصاحبه نیمه‌ساختاریافته از خبرگان مطلع از موضوع که به‌شيوه هفتمند مبتنی بر معیار شامل اساتید دانشگاه مرتبط با رشته‌های فرهنگی و فعالان امور پژوهشی اسلامی زنان و درحد اشباع نظری به تعداد ۱۷ نفر انتخاب شده‌اند، صورت گرفت و برای روایی از سه شاخص اعتمادپذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری استفاده شد.

یافته‌ها: در پاسخ به پرسش «چگونگی نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب در جامعه» ۶۶ مفهوم در ۱۰ مقوله به‌عنوان راهکار مطرح شد، در پاسخ به پرسش «نقش گفتمان‌سازی حجاب در تمدن‌سازی اسلامی» ۲۴ مفهوم در ۴ مقوله به‌دست آمد و برای پاسخ به پرسش «نقش حجاب در تمدن‌سازی اسلامی» ۳۹ مفهوم در ۷ مقوله مطرح شدند.

نتایج: چگونگی ترویج حجاب ازسوی مشارکت‌کنندگان با تکرار ارزش حجاب در طولانی‌مدت، اقدامات حمایتی خانواده، آموزش پذیرش حجاب، آگاهی‌بخشی، ارائه الگوهای مثبت از افراد با حجاب، استفاده از هنر و رسانه برای ترویج حجاب، استدلال منطقی برای پذیرش حجاب، نقش حمایتی دولت، تقویت جنبه‌های دینی حجاب و توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی حجاب مطرح شد. نقش گفتمان‌سازی حجاب در تمدن‌سازی اسلامی با اقداماتی مانند معرفی دستاوردهای زنان موفق، گفتمان هویتی، دینی و اخلاقی، حجاب گفتمان غیرکلامی و گفتمان‌سازی حجاب در رسانه و نقش حجاب در تمدن‌سازی اسلامی با اقداماتی چون حجاب نماد تمدن اسلامی، وجود زنان موفق باحجاب نماد تمدنی، حجاب شیک و جذاب، گفتمان‌سازی تمدنی حجاب، حضور زن با حجاب در مجامع جهانی، حجاب رسانه تمدنی و حجاب نماد هویت و تمدن اسلامی دسته‌بندی شدند.

واژگان کلیدی: حجاب، فرهنگ‌پذیری، نهادینه‌سازی، گفتمان‌سازی، تمدن اسلامی.

۱. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده منابع سازمانی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران،

shayegan_fa@yahoo.com

مقدمه

دنیای جدید در مرحله‌ای جای دارد که در آن نه کشورها و سیاست‌پردازان، بلکه تمدن‌ها و فرهنگ‌سازان نقش‌آفرینان اصلی هستند. هانتینگتون معتقد است که بعد از جنگ سرد، کشورها منافع خود را بر اساس تمدن‌ها دنبال کرده و با کشورهایی که فرهنگ مشابه دارند، هم‌پیمان می‌شوند و اغلب با کشورهایی که فرهنگ متفاوت دارند، در تضاد و درگیری هستند (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۳۴). او پیش‌بینی می‌کند که کانون‌های اصلی منازعات تمدنی، میان تمدن غرب از یک‌سو و دو تمدن کنفوسیوسی و اسلامی از سوی دیگر خواهد بود. درواقع، تمدن اسلامی به‌عنوان یکی از غنی‌ترین تمدن‌های بشری، همواره با بهره‌گیری از تعالیم توحیدی، ارزش‌های اخلاقی و فرهنگ‌پذیری عمیق، از جایگاه ویژه‌ای در میان تمدن‌های جهانی برخوردار بوده و این تمدن که بر پایه اصول دین اسلام و آموزه‌های قرآنی شکل گرفته‌است، نه‌تنها در ابعاد علمی، هنری و اجتماعی درخشیده، بلکه توانسته‌است به یکی از مؤثرترین گفتمان‌های فرهنگی و تمدنی در طول تاریخ تبدیل شود. در این میان، حجاب به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های برجسته و نمادین تمدن اسلامی، همواره نقشی کلیدی را در تبیین و تقویت هویت اسلامی ایفا کرده‌است. البته در ادیان دیگر هم حجاب برای زنان وجود داشته‌است؛ به‌نحوی که رواج حجاب در میان زنان یهود به‌گونه‌ای مشهود مورد تأیید مورخان است و بسیاری از مورخان نه‌تنها از مرسوم بودن حجاب در بین زنان یهود سخن گفته‌اند، بلکه از سختگیری‌های زیاد این قوم در این باب بسیار گفته‌اند: «در ایران و در بین یهود و ملتی که از فکر یهود پیروی می‌کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه در اسلام می‌خواست، وجود داشت» (کاظم‌پور ساریدرق و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱). همچنین، دین مسیح، برای زن، خمار را باقی نهاد و آن را نیکو شمرد. در قرون وسطی، به‌خصوص در قرن نهم، خمار رواج داشت؛ یعنی پارچه‌ای که شانه زن را پوشانده و تقریباً به زمین می‌رسید و عادت به استفاده از آن، تا قرن سیزدهم باقی بود (کاظم‌پور ساریدرق و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴). ویل دورانت نیز در مورد سیره عملی زنان مسیحی چنین آورده‌است: «ساق پای زنان چیزی نبود که در

ملأعام و یا رایگان به چشم بخورد ... البسه بانوان در جشن‌های نظامی، موضوع مهمی برای روحانیون بود و کاردینال‌ها، درازی جامه‌ها را معین می‌کردند. کشیشان چادر و روبند را یکی از ارکان اخلاقیات عیسوی دانستند و زن‌ها، چادرها را از حریر زربفت ساختند» (ویل دورانت، ۱۳۶۷: ۴: ۷۵۷). ولی به مرور زمان، حجاب زنان در سایر تمدن‌ها کمرنگ شد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت این امر فقط در تمدن اسلامی همچنان به شدت گذشته برقرار است.

حجاب، در فرهنگ اسلامی فراتر از یک پوشش ساده تعریف می‌شود و مفهومی چندوجهی است که به ابعاد دینی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی مرتبط می‌شود. از یک‌سو، این نماد دینی به مسلمانان هویتی منحصربه‌فرد می‌بخشد و از سوی دیگر، بستری برای تعامل فرهنگی و گفت‌وگو با سایر تمدن‌ها فراهم می‌آورد. در دوره‌های مختلف تاریخی، حجاب نه تنها ابزاری برای حفظ ارزش‌های اسلامی و اخلاقی بوده است، بلکه به عنوان یک شاخص هویتی در مقابل چالش‌های ناشی از استعمار، مدرنیسم و جهانی‌سازی عمل کرده است.

حجاب بستر ساز حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی بر اساس توانمندی فکری و روحی آنها است و سبب می‌شود که زن در اجتماع فارغ از زنانگی‌اش دیده شود؛ یعنی فرصت انسانیت، فرصت زن بودن فارغ از جنسیت. زن در منطق اسلام دارای الگو است اما امروز در مقابل آن، یک الگوی انحرافی وجود دارد که همان الگوی زن غربی است و شاخصه زن غربی امروز عبارت است از برهنگی. در نظام‌های غربی، طبیعتاً به خاطر ایدئولوژی لیبرال، نباید برخوردی با حجاب و محجبه‌ها صورت گیرد، اما می‌بینیم که بعضی از حکومت‌ها اجبار به برداشتن حجاب در مدارس و دانشگاه‌ها، نپذیرفتن عکس رسمی چهره با پوشش و به کارنگرفتن زنان محجبه در مشاغل و مانند آن را با جدیت پیگیری می‌کنند (راه‌چمنی، ۱۳۹۷).

در دنیای امروز که با پیچیدگی‌های اجتماعی، تنوع فرهنگی و تقابل گفتمان‌های سنتی و مدرن مواجه هستیم، حجاب بیش از پیش به موضوعی جهانی و محل بحث‌های علمی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است؛ در حالی که برخی از جوامع، حجاب را نماد محدودیت و واپس‌گرایی می‌دانند، در

تمدن اسلامی، حجاب به‌عنوان عنصری برای تأمین کرامت انسانی، تقویت پیوندهای اجتماعی و حفظ ارزش‌های اخلاقی موردتوجه قرار می‌گیرد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تلاش برای اجرای احکام اسلامی در جامعه بیش‌از گذشته بر حجاب تأکید شد و ضمن محکوم کردن سیاست خاندان پهلوی در کشف حجاب و اجبار به بی‌حجابی، شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه ۴۲۷ برای ۲۶ دستگاه دولتی نظیر فرماندهی انتظامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت بازرگانی، سازمان صداوسیما، سازمان ملی جوانان، سازمان تبلیغات اسلامی و مانند آن، وظایفی را برای حفاظت و صیانت از حجاب و عفاف در سطح جامعه تعیین کرد و رعایت حجاب در جامعه الزامی شد و به‌عنوان نمادی از تمدن نوین اسلامی موردتوجه جهان قرار گرفت. درمجموع، پوشش و حجاب زنان در جهان نماد عینی و مشهود اعتقادات دینی آنها است و مخالفتی که در غرب با حجاب در مدارس و ادارات می‌شود، به‌خاطر اهمیت نمادین آن بحث تمدنی است. چنین نکته‌ای را از بیان رئیس‌جمهور فعلی فرانسه نیز می‌توان فهمید که گفته است: «حجاب زنان با معیارهای متمدنانه مطابقت ندارد و پوشش زنان محجبه در این کشور با روابط موجود بین زنان و مردان در جامعه فرانسه ناسازگار است» (راه‌چمنی، ۱۳۹۷).

در حیات انسانی، فرهنگ از اساسی‌ترین نهادهایی است که هویت و موجودیت یک جامعه را شکل داده و نقش عمده‌ای در سعادت و تکامل جوامع برعهده دارد؛ از این رو، اگر جامعه‌ای بتواند اصول و مبانی خود را به‌گونه‌ای صحیح تبیین کرده و براساس آن الگوهای مناسب رفتاری و عملی ارائه نماید، زمینه تکامل آن جامعه را فراهم نموده است. یکی از این شاخصه‌های مهم فرهنگی، لباس و پوشش زنان است (نوبخت، ۱۴۰۳). حجاب نه تنها یک الزام دینی بلکه ابزاری برای گفتمان‌سازی و بازنمایی ارزش‌های تمدن اسلامی در مواجهه با چالش‌های مدرن است؛ درحالی‌که این مفهوم در برخی از جوامع به‌عنوان عنصری نمادین از تقابل میان سنت و مدرنیته دیده می‌شود، در بطن تمدن اسلامی به‌عنوان مفهومی فراتر از جنسیت، به هویت‌بخشی و تقویت ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کند. امروزه، حجاب توانسته است در مواجهه با

چالش‌های جهانی و تعامل با سایر فرهنگ‌ها، جایگاه تمدن اسلامی را تقویت کند. البته مقاومت‌های زیادی هم در مقابل آن صورت می‌گیرد و با برنامه‌ها و پوشش‌های جهانی و اقدامات رسانه‌ای مانند چهارشنبه‌های سفید و نه به حجاب و مانند آن، مخالفت با حجاب اسلامی را پررنگ‌تر از قبل به نمایش می‌گذارند و یا در کشورهای مختلف، با زنان باحجاب برخوردهای خشنی انجام می‌شود و محرومیت‌های تحصیلی و اجتماعی برای آنها ایجاد می‌شود. این پژوهش می‌کوشد تا ضمن تبیین مفهوم حجاب به عنوان یکی از ارکان فرهنگی و اجتماعی تمدن اسلامی، به این پرسش پاسخ دهد که نقش و جایگاه حجاب در گفتمان‌سازی تمدن اسلامی چگونه است؟

پیشینه

نوبخت (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «واکاوی پوشش و لباس متناسب با اسلام و فرهنگ» که به روش اسنادی - تحلیلی انجام شده است، نشان می‌دهد که با اتکای به اصول اسلام، می‌توان با بازنگری در نوع لباس و محدوده پوشش، در برابر هجوم فرهنگ غربی راهکارهای مختلف ارائه داد. بررسی تغییر ذائقه‌ها در پوشش و طراحی لباس در ادوار مختلف تاریخی و تأثیرپذیری فرهنگی آن، بررسی تحول و تطور لباس برگرفته از تمدن، فرهنگ و سنت در ایران و در ملت‌های جهان، بررسی نقش و جایگاه طراحی لباس در تغییر سبک زندگی، تشکیل جشنواره‌های طراحی لباس و پای‌بند بودن به پوشش‌های بومی و عرف جامعه، معاصرسازی طراحی لباس با توجه به رغبت‌ها و سلیقه‌ها با حفظ اصالت فرهنگ عفاف و حجاب، ارائه طراحی لباس مبتنی بر مبانی اعتقادی، آموزه‌های دینی، ارزش‌های ملی و ترویج و توسعه فرهنگ پوشش و مانند آن، ازجمله مواردی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است.

خواجeh‌وندی و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوانی «هویت و تمدن‌سازی در دانشگاه‌ها با انتخاب حجاب با رویکرد روش‌شناسی کیو (مورد مطالعه: جامعه بانوان نخبه دانشگاه علوم پزشکی کاشان)» که به روش ترکیبی نوشته شده است به این نتیجه رسید که احساس ارتباط بیشتر با خالق یکتا، برقراری تعادل میان اعتقادات و رفتار ظاهری آنها، عمل به دستورات

دینی، حفظ و بهبود سلامت روان، حفظ ارزش‌های ملی و استحکام بنیان خانواده، از دلایل اصلی بانوان نخبه‌شاغل در دانشگاه علوم پزشکی کاشان برای انتخاب حجاب در بالاترین سطوح شغلی است.

موسوی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «رابطه حجاب و پوشش زنان منتظر با تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)» بیان داشته‌است که زن منتظر زمانی تمدن‌ساز است که در مرحله خودسازی، به اصلاح فرآیندهای درونی و انطباق آن با ارزش‌های اسلامی و دینی بپردازد. زن منتظر در تمدن نوین اسلامی با حجاب خود، هویت‌ساز است. مقام معظم رهبری معتقدند که زن مسلمان با نقاط قوت زنانه خود همراه با عفت و پاکدامنی فضای پیرامونی خود را نورانیت می‌بخشد و مایه افتخار و مباهات جمهوری اسلامی است.

عبدالرحمانی و سهرابی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی ارتباطات بین‌سازمانی متولیان حجاب و عفاف (سازمان فراجا، شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)» به این نتیجه رسیده‌اند که تعاملات بین‌سازمانی در حوزه حجاب و عفاف تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. انتخاب مدیران متولی و دخالت دادن منافع شخصی مدیران، برداشت نوع نگاه کارمندان به حجاب و عفاف، دیدگاه‌های متضاد و متفاوت سازمان‌های متولی و سرگشتگی و ابهام در درک صحیح مصوبه ۴۲۷ و مشورت‌نگرفتن از نهاد نظارتی مسئول برای ارزیابی فعالیت هریک از سازمان‌های متولی، از جمله مهم‌ترین آسیب‌های مربوط به ارتباطات بین‌سازمانی در این زمینه است.

کاظم‌پور ساریدرق و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیلی حجاب از دیدگاه ادیان سامی (اسلام، یهود و مسیحیت)» که به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد نظری و اسنادی انجام شده‌است، تفاوت‌ها و شباهت‌های احکام حجاب را در سه آیین بزرگ ابراهیمی (یهود، مسیحیت و اسلام) بررسی کرده و ضمن بیان آیات قرآن در بیان حکم حجاب، تلاش می‌کند تا به شبهات موجود در این بحث پاسخ داده و دیدگاه‌های دو کتاب مقدس (قرآن و تورات) را مقایسه نماید.

مذبوحی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «جایگاه حجاب در فرهنگ اسلامی و آثار روانی و اجتماعی آن بر جامعه» که به روش توصیفی - تحلیلی تدوین شده است، نتیجه می گیرند که آیین مقدس اسلام که برنامه جامع سعادت و کامیابی بشر است، به موضوع پوشش و حجاب زنان توجه ویژه‌ای دارد. در بینش اسلامی، لباس و پوشش، حریم انسان است تا تحریک جنسی را کاهش دهد و آن را تحت کنترل درآورد؛ زیرا زن و مرد، امانتدار الهی و عهده‌دار حفظ تربیت و بقای نسل بشر بر روی زمین هستند.

محمدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «واکاوی حجاب در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی» به این نتیجه رسیده است که حجاب یکی از جلوه‌های بارز تمدنی است که از دیرباز و حتی قبل از ظهور اسلام، در مناطق دارای تمدن مانند ایران باستان قابل‌رویت بوده و به عنوان یکی از عناصر ارتقای امنیت و حفظ و دوام جامعه، مطرح بوده است. او در پژوهش خود به این مهم می‌پردازد که اگر نداشتن حجاب و عفاف موجب ناامنی و بی‌هویتی انسان نمی‌شود و مانعی برای پیشرفت و رشد انسانیت و کمال بشری نمی‌باشد، پس چرا نظام استعماری و سلطه، امکان انتخاب و اختیار بدحجابی و بی‌حجابی را مطابق با میل افراد در اماکن گوناگون فراهم نمی‌کنند؟ وی نتیجه می‌گیرد که این تعارضات را باید ناشی از تصمیمی برای انحراف بشر از مسیر درست و تمدن‌ساز خویش دانست و اگر فرهنگ اسلامی ایرانی در راه درست و دارای اصالت تمدنی نبود، به‌طور قطع، این گونه موردهجوم قرار نمی‌گرفت.

علی محمدی‌آشنایی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بازشناسی عوامل و راهکارهای ترویج گفتمان و فرهنگ‌سازی عفاف و حجاب» که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، نشان داد که عواملی همچون دانایی و آگاهی، تأمین نیازهای عاطفی در دوران آغازین زندگی، تحقق صحیح مراحل جدول رشد، سلامت شخصیت، محیط سالم اجتماعی و مانند آن، در شکل‌گیری، تثبیت و نهادینه‌سازی عفاف در منش دختران و انجام تجلیات آن در رعایت حجاب در عرصه‌های گوناگون به‌طور متناسب، نقشی اساسی دارند؛ چنان‌که به‌کارگیری راهکارهایی همچون آموزش در نظام خانواده و مراکز آموزشی، تبیین علمی و

شناساندن آثار گوناگون عفاف و حجاب و معرفی پیامدهای کنارنهادن آن با استفاده از هنر، رسانه و فضای مجازی، استفاده از راهکارهای علوم تربیتی و روان‌شناسی برای برآوردن صحیح و مناسب نیازهای زنان و مانند آن، پاسخ‌گویی به چالش‌ها و شبهات به صورت علمی، تعریف جایزه ملی برای انتخاب ملکه عفاف و حجاب و مانند آن می‌تواند عفاف و حجاب را در جامعه، به فرهنگ و گفتمان غالب، برتر و سبک زندگی مبدل سازد و زمینه و بستر لازم برای گفتمان‌سازی آن را در عرصه بین‌المللی فراهم آورد.

علوی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ریشه‌یابی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ حجاب و عفاف و ارزیابی راهبردهای نقشه مهندسی فرهنگی (رویکرد سیستمی)» که با گردآوری و تحلیل بیش از ۶۱۱ پژوهش انجام شده است، نشان می‌دهد که فرهنگ حجاب و عفاف در تعامل چندسویه با حوزه‌های اجتماعی، رسانه‌های داخلی و غربی، نظام آموزش خصوصی و دولتی، سیاستگذاری حاکمیت در ترویج فرهنگ و اقتصاد لباس اسلامی و غیر اسلامی است و تصمیم‌گیری فرد در زمینه حجاب و عفاف در بستر پویایی از مبانی اعتقادی و باورها، آرمان‌های ذهنی و رفتارهای ظاهری فرد محقق می‌گردد؛ همچنین، حلقه‌های رفتاری مؤثر بر مبانی اعتقادی، آرمان‌های ذهنی و رفتارهای ظاهری فرد ناشی از تعامل علی بین متغیرها، شناسایی شد که در دوره‌های کوتاه و بلندمدت بر رفتارهای فرهنگی مؤثر است. بر همین مبنا، یافته‌های راهبردی به منظور توسعه فرهنگ عفاف و حجاب در دوره‌های کوتاه و بلندمدت ارائه شده و تطابق آن با راهبردهای نقشه جامع مهندسی فرهنگی کشور نیز مورد بررسی کیفی قرار گرفته است.

اصغرزاده و شایگان (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ضوابط قانونی عفاف و حجاب و وظایف نیروی انتظامی» راهکارهای مقابله با بدحجابی از سوی نیروی انتظامی را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که ۲۶ قانون، آیین‌نامه، دستور کار و بخشنامه مرتبط با موضوع حجاب و عفاف وجود دارد. ملاک‌های بدحجابی در قوانین، نپوشاندن کامل موی سر و بدن برای زنان جز وجه و کفین، پوشیدن دامن و شلوارهای کوتاه و چسبان، چادرهای نازک و توری،

مانتوهای نامناسب، آرایش نامتعارف و استفاده از کلاه بدون مقنعه است. براساس این تحقیق، نشست‌های کارشناسانه و ارائه راه‌حل و اطلاع‌رسانی قوانین به مردم و همچنین، مطالبه‌گری از سایر دستگاه‌های مجری و مسئولان، ازجمله راهکارهای مقابله با بدحجابی است.

مختاریان پور و گنجعلی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نهادینه‌سازی عفاف و حجاب در جامعه؛ رویکردی فرآیندی» که با استفاده از روش پژوهش اسنادی انجام شده است، نتیجه می‌گیرند که فرایند اصلاح واقعیت اجتماعی و نهادی کردن حجاب و عفاف طی سه مرحله برونی‌کردن، عینیت‌بخشی و درونی‌کردن می‌تواند انجام شود. بر اساس این فرایند، در مرحله نخست، برداشتها و تفاسیر عینی و مشترک صحیح و ارزش‌مدار در زمینه نوع رفتار و پوشش (استانداردهای پوششی و رفتاری) در جامعه شکل می‌گیرد؛ در مرحله دوم، واقعیت‌های اجتماعی جدید در زمینه نوع رفتار و پوشش، مبتنی بر ارزش‌های اسلامی متبلور شده و درنهایت، در مرحله سوم، ارزش‌های زیربنایی واقعیت جدید در آحاد جامعه درونی شده و تثبیت می‌شوند.

محبوبی‌منش (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «تحلیل اجتماعی مسأله حجاب» پوشش و حجاب را به‌مثابه رسانه‌ای ارتباطی و کنشی اجتماعی دانسته است که از یک‌سو، تحت‌تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و ازسوی دیگر، متأثر از کنشگران اجتماعی اعم از زن و مرد می‌باشد. وی با تکیه بر ابعاد و اهداف عملی و نمادین حجاب که ریشه در حفظ حجب و حیا و شرم از برهنگی دارد، اظهار می‌دارد که مسأله پوشش و حجاب، جایگاه ویژه‌ای در مباحث روز دنیا درباره فرآیند جهانی‌شدن و پست‌مدرنیته دارد؛ به‌طوری‌که مرزهای فرهنگی بین شرق و غرب و مسلمان و غیرمسلمان را درنوردیده است و شامل مباحث و نظریات مناقشه‌برانگیز و پرطمطراقی است که به مسائل پسامدرنی از قبیل سبک، نمادشناسی، مصرف‌گرایی و مسائل قدرت و بازنمود آن می‌پردازد.

زین‌آبادی (۱۳۸۶) در جامعه‌پذیری حجاب می‌نویسد: «جامعه‌پذیری از دیدگاه تئوری‌های کارکردگرایی، تقابل و کنش متقابل نمادین، معتقد است

که خانواده، مدرسه، گروه همسالان و نهادهای اجتماعی و ارتباطی به‌عنوان عوامل موثر بر جامعه‌پذیری حجاب هستند و ناهماهنگی و بدکارکردی این عوامل می‌تواند منجر به آسیب‌پذیری فرآیند جامعه‌پذیری حجاب گردد».

بلو^۱ (۲۰۲۵) در مقاله‌ای با عنوان «درک مباحثه‌های مدرن حجاب در جامعه غربی» به این نتیجه رسیده‌است که طبق کشف دانشمندان علوم سیاسی دانشگاه استنفورد، ممنوعیت روسری در فرانسه در سال ۲۰۰۴ شکاف آموزشی بین زنان مسلمان و غیرمسلمان را دو برابر کرده‌است. این یافته نشان می‌دهد که مناظره حول حجاب تنها بر ابراز مذهبی تأثیر نمی‌گذارد و تأثیرات اصلی این سیاست ثابت می‌کند که محدودیت‌ها بر لباس‌های مذهبی می‌تواند جوامع را متحول کند.

سانیا^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «حجاب و شناخت محصورشده: تأثیر حجاب بر نگرش‌های بین‌فردی در یک زمینه همگن با اکثریت مسلمان» که با استفاده از روش پیمایشی در میان ۳۵۲ دانشجوی کارشناسی پاکستان انجام شد، به این نتیجه رسیدند که اگر افراد فرهنگ مسلمانان را درونی کنند و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی خود را ترجیح دهند (همسری فرهنگی)، سطوح بالاتری از شایستگی، صمیمیت، جذابیت اجتماعی و جذابیت شغلی را به قهرمانی که حجاب دارد، نسبت می‌دهند. این پژوهش پیامدهایی را برای فرصت‌های شغلی و نگرش نسبت به زنان در محل کار در کشورهای دارای اکثریت مسلمان، هم برای باحجاب‌ها (زنانی که روسری بر سر دارند) و هم برای افراد بی‌حجاب در پی دارد.

میزل^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «حجاب من نشان‌دهنده هویت من است نه مذهب من» که حاصل ۲۵ مصاحبه عمیق با دانشجویان دختری است که در یک کالج مختلط عرب و یهودی تحصیل می‌کنند، نشان داد که تصور و توجیه حجاب تنها یک برداشت شرعی نیست و درواقع، این یک برداشت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و مفهوم حجاب سنتی به‌عنوان

1. Bello

2. Sania

3. Mizel

اقدامی برای سرکوب آزادی زن، دیگر وجود ندارد؛ زیرا پوشیدن حجاب با مدرن‌سازی هماهنگ است و به سازگاری زن مسلمان در همه‌جا کمک می‌کند و عاملی ضروری برای مشارکت در جامعه است.

بررسی پیشینه نشان می‌دهد که اگرچه تحقیقاتی با توجه به حجاب و تمدن‌سازی نگاشته شده است که در این زمینه قابل بهره‌برداری است اما با توجه به اهمیت تمدن نوین اسلامی و نقشی که حجاب به عنوان یک نماد عینی و مورد توجه در کنش اجتماعی زنان مسلمان در این خصوص دارد، پژوهش حاضر در نظر دارد تا با بهره‌گیری از نظرات خبرگان، به نقش حجاب در گفتمان‌سازی تمدن اسلامی بپردازد که در نوع خود، از منظر جدیدی به این موضوع پرداخته است و می‌توان گفت که هیچ‌کدام از پژوهش‌های پیشین، با این رویکرد به حجاب نپرداخته‌اند و از این نظر، امری نوآورانه محسوب می‌شود.

مبانی نظری

در این بخش، نظریات و دیدگاه‌های مرتبط با تمدن‌سازی و فرهنگ‌پذیری مطرح می‌شود و نظرات اسلامی مربوط به نقش حجاب در تمدن‌سازی از دیدگاه شهید مطهری به عنوان نماینده جهان اسلام آورده می‌شود:

تمدن مجموعه‌ای از دستاوردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انسان‌ها در طول تاریخ است که به ایجاد جوامع پیشرفته و پیچیده منجر شده است. این مفهوم شامل نهادهای، فناوری‌ها، هنر، ادبیات، سیستم‌های حکومتی و ارزش‌های مشترک در یک جامعه است. به گفته تایلور^۱ تمدن را می‌توان «آن کل پیچیده‌ای که شامل دانش، باورها، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و سایر قابلیت‌ها و عاداتی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند» تعریف کرد (تایلور، ۱۸۷۱).

تمدن اسلامی^۲: مجموعه‌ای از دستاوردهای فرهنگی، علمی، هنری، سیاسی و اجتماعی است که در طول تاریخ توسط جوامع مسلمان و تحت تأثیر آموزه‌های اسلام شکل گرفته است. این تمدن نقش به‌سزایی را در پیشرفت

1. Tylor

2. Islamic Civilization

دانش و فرهنگ بشری برعهده داشته است. به گفته مونتگومری وات^۱، تمدن اسلامی ترکیبی از «مکتب فکری اسلامی، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی و نیز تلاش برای ایجاد هماهنگی بین جنبه‌های مادی و معنوی زندگی» است (وات، ۱۹۷۲). تمدن اسلامی مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی مسلمانان است که با محوریت آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر اسلام (ص) و تعامل با سایر تمدن‌ها شکل گرفته است. این تمدن مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و اخلاق اسلامی است و از تعامل دین، دانش، فرهنگ و سیاست نشأت می‌گیرد.

تمدن‌سازی اسلامی: از دیدگاه مقام‌معظم‌رهبری، تمدن‌سازی اسلامی یعنی «پیشرفت همه‌جانبه در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و فناوریانه با تأکید بر عنصر حرکت و تعالی که شامل تمام ابعاد مادی و معنوی انسان‌ها می‌گردد» (۱۳۹۱/۷/۲۳). در تمدن‌سازی اسلامی، علاوه بر ایجاد حکومت اسلامی و پرداختن به جنبه‌های عینی و مادی جامعه، نیاز به اسلامی‌نمودن جنبه‌های ذهنی، فرهنگی و معنوی تمدن به عنوان سازه‌های اصلی تمدن برای ایجاد تمدن نوین اسلامی نیز مطرح است. در تمدن‌سازی اسلامی، نگاه جامع به تعالی بخشی در تمام جنبه‌های زندگی بشر و نیازهای او لحاظ شده است.

تمدن نوین اسلامی: نتیجه تمدن‌سازی اسلامی، تمدن نوین اسلامی است. مقام‌معظم‌رهبری در این خصوص می‌فرماید: «تمدن نوین اسلامی می‌تواند با شاخصه ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه‌رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به‌لجن‌کشیده‌ای که از ارکان تمدن امروزین غرب‌باند، باشد» (۱۳۹۲/۲/۹). بنابراین می‌توان گفت که نتیجه تمدن‌سازی اسلامی باید موجب ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی شود که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته و جامعه اسلامی را به مقاصد خود نزدیک می‌کند (غلامی، ۱۳۹۶: ۴۳). بر این اساس، تمدن اسلامی مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی مسلمانان است که با محوریت آموزه‌های قرآنی و

سنت پیامبر اسلام (ص) و تعامل با سایر تمدن‌ها شکل گرفته‌است و باید در این عصر، برای تمدن‌سازی اسلامی، نگاه جامع و تعالی‌بخشی به تمام جنبه‌های زندگی بشر و نیازهای او از دیدگاه اسلامی داشت که نتیجه آن، ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

نظریه برخورد تمدن‌ها: ساموئل هانتینگتون^۱ بر این باور است که دنیای جدید به مرحله ای نائل آمده‌است که در آن، نه کشورها و سیاست‌پردازان، بلکه تمدن‌ها و فرهنگ‌سازان نقش‌آفرینان اصلی خواهند بود. هانتینگتون فضای جدید ایجادشده پس از جنگ سرد را با ظهور تمدن‌های قدرتمند و برخورد آنها در صحنه جهانی ترسیم و نظریه خود را این‌گونه توصیف می‌کند: «بعد از جنگ سرد کشورها منافع خود را بر اساس تمدن‌ها دنبال کرده و با کشورهایی که فرهنگ مشابه دارند، هم‌پیمان می‌شوند و غالباً با کشورهایی که فرهنگ متفاوت دارند در تضاد و درگیری هستند» (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۳۴). او با قراردادن تمدن‌های بزرگ دنیا در هفت تمدن، منبع اصلی برخورد در جهان نوین را نه ایدئولوژیک و نه اقتصاد بلکه تمدنی می‌داند (حقیقت، ۱۳۷۸: ۲۶). هانتینگتون با نظریه برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، در مقام ارائه چارچوبی مفهومی یا شاخصی نوین برای تحلیل رخدادهای بین‌المللی در دوره پس از جنگ سرد برآمده‌است و آینده سیاسی جهان پس از اتمام جنگ سرد را تحت‌تأثیر درگیری بین تمدن‌های خاصی می‌بیند که در آن پیش‌بینی تمدن غرب، تمدن اسلامی، ارتدکس‌ها، تمدن شرق آسیا، آمریکای لاتین، آفریقا، تمدن بودایی و هندوئیسم طلایه‌دار قدرت در جهان خواهند بود. هانتینگتون مذهب را یکی از عناصر مهم تمدن دانسته (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۵۵) و مطرح می‌کند که تمدن اسلامی تنها تمدنی است که تمدن غرب را مورد شک و تردید قرار داده‌است (هانتینگتون، ۱۹۹۶: ۲۱۰). به نظر وی، کانون‌های اصلی منازعات تمدنی، میان تمدن غرب از یک‌سو و دو تمدن کنفوسیوسی و اسلامی

ازسوی دیگر خواهدبود. از نظر او، عوامل بی‌ثباتی در آینده که می‌تواند زمینه‌های برخورد میان تمدن‌ها را پدید آورد، احتمالاً یکی از این حوادث خواهدبود: ۱. وقوع درگیری‌های قومی که از دو نوع بیرون نیست: محلی و درون‌تمدنی، یا میان‌تمدنی و بر روی خطوط گسل؛ ۲. حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی که با نام «بنیادگرایی» شناخته شده‌است و عموماً با دو انگیزه سیاسی (مبارزه با سلطه بیگانه) و دینی (بازگشت به اسلام) صورت می‌گیرد؛ ۳. پیشی‌گرفتن قدرت اقتصادی آسیا از غرب در مناطقی چون کره، چین و سنگاپور؛ به‌گونه‌ای که رشد اقتصادی این کشورها را گستاخ و مهاجم خواهدند نمود و درنهایت، دو تمدن اسلامی و کنفوسیوسی با جدیت بیشتری درصدد دستیابی به قدرت‌های برتر نظامی هستند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰).

یکی از انتقادهایی که متوجه نظریه هانتینگتون است این است که برخی این نظریه را به‌لحاظ نادیده‌گرفتن تشتهای درونی این تمدن‌ها، طرحی خام ارزیابی می‌کنند و از نظر این عده، اهمیت درگیری‌های درون‌تمدنی مثل رقابت میان اروپا و آمریکا، رقابت‌های قومی و ملی درون اروپا و مشکلات داخلی هرکدام، کمتر از مناعات میان‌تمدنی نیست. هم‌اینک در درون تمدن اسلامی در خاورمیانه، اختلافاتی جدی وجود دارد و هنوز هم خطوط گسل اصلی در جهان، میان دولت‌های مستبد و دولت‌های مردمی، سیاست درهای باز و انزواگرایی و میان اعتدال و افراط است. برخی دیگر نیز در مقام انتقاد، بر این نکته تأکید می‌ورزند که این نظریه، پدیده درحال‌ظهور نهادها و پیوندهای اقتصادی فراملی را که نقشی رو به افزایش در مناسبات بین‌المللی یافته‌اند، نادیده می‌گیرد. جغرافیای اقتصادی جهان درحال جایگزینی جغرافیای سیاسی است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰).

فرهنگ و فرهنگ‌پذیری^۱: امام‌خمینی (ره) فرهنگ را مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت دانسته است (موسوی‌خمینی، ۱۳۶۴: ۱: ۲۷۳). آنتونی گیدنز فرهنگ را ارزش‌های اعضای یک گروه معین و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند، می‌داند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۳۶). فرهنگ‌پذیری به

فرایندی اطلاق می‌شود که در آن یک گروه اجتماعی یا فرد، عناصری از فرهنگ گروه دیگری را می‌پذیرد و در فرهنگ خود ادغام می‌کند. این فرایند معمولاً در نتیجه تعامل طولانی‌مدت میان فرهنگ‌ها رخ می‌دهد و می‌تواند شامل جنبه‌های مختلفی از زندگی مانند زبان، رفتار، ارزش‌ها، آداب و رسوم و باورها باشد عناصر سازنده فرهنگ دارای سه لایه قابل‌ترسیم است: در لایه مرکزی، جهان‌بینی قرار دارد که قلب تپنده فرهنگ است. در لایه دوم، ارزش‌ها و باورها قرار دارند و در لایه سوم، تجلیات بیرونی جای دارند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۴: ۱۵۵)؛ بر این اساس، فرهنگ‌پذیری حجاب مستلزم پذیرش جهان‌بینی اسلامی و دیدگاه آن در مورد پوشش و نگرشی است که نسبت به انسان و ارزش‌های آن دارد. در مرحله بعد، ایمان به این ارزش‌ها و یقین به حقانیت آنها و درنهایت، اجرای آنها در قالب پوشش متناسب با ارزش‌های اسلامی و رعایت اصل حجاب در عمل است که منجر به فرهنگ‌پذیری حجاب می‌شود.

گفتمان‌سازی^۱: مطابق فرمایش مقام‌معظم‌رهبری، گفتمان یعنی «باور عمومی و آن چیزی که به‌صورت یک سخن موردقبول عموم تلقی بشود و مردم به آن توجه داشته باشند» (بیانات، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵). مضمون سخن مقام‌معظم‌رهبری برای گفتمان عبارت‌است از اینکه یک فکر مفهوم و ذهنیت در میان عموم مردم جامعه به‌گونه‌ای شایع شود که همگی را به‌سمت آن مفهوم و ذهنیت حرکت دهد و آن فکر را به یک جریان و مطالبه عمومی در جامعه تبدیل کند. قرآن کریم و سیره اهل بیت (ع) نیز از این راهبرد برای ایجاد یک رفتار جدید و شایسته اسلامی و یا نهی جامعه از برخی کارهای ناشایست استفاده کرده‌اند؛ به این شکل که در مرحله اول، مسئله مطرح می‌شد تا اذهان و افکار عمومی به آن سمت توجه و حرکت کنند و آن مسئله به گفتمان جامعه تبدیل و به رفتار انسان‌ها منجر شود (بهروزی لک و کفیلی، ۱۴۰۲: ۸۲).

ون دایک^۲ در مطالعات خود گفتمان را به‌عنوان یک ساختار معنایی و زبانی تعریف می‌کند که در آن ایده‌ها و مفاهیم خاص از طریق قدرت و هژمونی

 1. Discourse Formation

2. Van Dijk

اجتماعی بازتولید می‌شوند. او معتقد است که گفتمان‌سازی ابزاری برای تقویت ایدئولوژی‌ها و چارچوب‌های ذهنی در جامعه است (ون دایک، ۱۹۹۳). از دیدگاه پست‌مدرن‌ها نیز قدرت بر گفتمان‌سازی تأثیر دارد. فوکو^۱ معتقد است که گفتمان‌ها نه تنها معرف واقعیت بلکه سازنده آن هستند و ابزارهای اصلی اعمال قدرت و کنترل اجتماعی‌اند (فوکو، ۱۴۰۲). ژان بودریار^۲ بر نقش رسانه‌ها و نمادها در شکل‌دهی به واقعیت تأکید می‌کند. او مفهوم واقعیت شبیه‌سازی‌شده^۳ را مطرح کرده و نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌ها و نمادها، واقعیت را به گونه‌ای بازنمایی می‌کنند که از واقعیت اصلی جدا شده و به جای آن، یک واقعیت جدید و مصنوعی را می‌سازند و این امر تا چه حد بر گفتمان‌سازی و نحوه درک ما از جهان تأثیر می‌گذارد (بودریار، ۱۴۰۲).

حجاب و نقش زنان در تمدن‌سازی از دیدگاه شهید مطهری (ره): مطهری به نقش بی‌بدیل زنان در تمدن‌سازی اسلامی تأکید داشته و بر این باور است که زن مسلمان با پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی و دینی از جمله حجاب، می‌تواند نقشی کلیدی را در تربیت نسل‌های آینده ایفا کند: «تمدن اسلامی زمانی می‌تواند احیا شود که زن مسلمان با حفظ هویت دینی و اخلاقی خود، در ساخت جامعه‌ای سالم و پیشرفته مشارکت کند. حجاب، عامل مهمی در حفظ این هویت است» (مطهری، ۱۳۶۸). او معتقد است که این عنصر فرهنگی همواره به عنوان بخشی از هویت مسلمانان باقی مانده است. حجاب به منزله یک سنت اسلامی، بخشی از نظام ارزشی و تمدنی است که مسلمانان بر اساس آن جامعه خود را سامان داده‌اند (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۰۱).

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی است و با یک رویکرد کیفی با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای جهت‌دار انجام شده است. در پژوهش‌ها، گاهی نظریه یا تحقیقاتی درباره یک پدیده مطرح‌اند که کامل نیستند یا به توصیف‌های

1. Foucault

2. Jean Baudrillard

3. simulated reality

بیشتری نیازمندند؛ در این حالت، محقق کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را برمی‌گزیند. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۴). از آنجاکه در خصوص فرهنگ‌پذیری و تمدن‌سازی نیز نظریه‌هایی وجود دارد، بنابراین، در پژوهش حاضر، از این نوع تحلیل محتوا بهره گرفته می‌شود. جامعه مشارکت‌کننده در این پژوهش، خبرگان مطلع از موضوع بودند و حجم نمونه در حد اشباع نظری بود که با ۱۷ نفر به اشباع رسید و روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر معیار شامل اساتید دانشگاه مرتبط با رشته‌های فرهنگی و فعالان امور پژوهشی اسلامی زنان است. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و کدگذاری به صورت مفاهیم که جملات مصاحبه‌شوندگان است و مقولات (کلماتی که بیانگر مفهوم مشترکی هستند و با تکرار خواننده و تفکر در آن حاصل می‌شود) ارائه شد. روایی با بهره‌گیری از سه شاخص اعتماد‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری به دست آمد و دو مورد از مصاحبه‌ها بعد از استخراج و کدگذاری به تأیید مشارکت‌کنندگان رسید.

یافته‌ها

توصیف مشارکت‌کنندگان در پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. توصیف مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد	جنس	سن	تحصیلات	شغل
۱	زن	۶۱	دکتر	استاد دانشگاه
۲	مرد	۶۵	دکتر	استاد دانشگاه
۳	زن	۴۰	لیسانس	فعال فرهنگی
۴	زن	۴۲	دکتر	استاد دانشگاه
۵	مرد	۶۷	فوق لیسانس	فعال سینمایی
۶	مرد	۴۰	دکتر	استاد دانشگاه
۷	زن	۶۰	دکتر	فعال حوزه زنان و خانواده
۸	زن	۴۰	دکتر	پژوهشگر زنان و خانواده
۹	زن	۴۸	دکتر	پژوهشگر و فعال فرهنگی
۱۰	زن	۴۱	دکتر	پژوهشگر و مدرس دانشگاه
۱۱	مرد	۳۸	دکتر	مدیر رسانه

کد	جنس	سن	تحصیلات	شغل
۱۲	زن	۴۲	دکتر	فعال حوزه زنان و خانواده
۱۳	زن	۳۸	دکتر	استاد دانشگاه
۱۴	زن	۵۴	دکتر	استاد دانشگاه
۱۵	زن	۶۳	فوق لیسانس	استاد حوزه
۱۶	مرد	۴۳	دکتر	استاد دانشگاه
۱۷	زن	۵۹	دکتر	استاد دانشگاه

مطابق جدول ۱، از ۱۷ نفر مشارکت‌کننده در پژوهش ۱۲ نفر زن و ۵ نفر مرد بودند. میانگین سن آنها ۴۹/۵ و از میان آنها، ۱ نفر لیسانس و ۲ نفر فوق‌لیسانس و ۱۴ نفر دکتر داشتند. ۱۰ نفر از این مشارکت‌کنندگان در پژوهش استاد دانشگاه یا حوزه بودند، ۴ نفر فعال حوزه زنان و خانواده و ۳ نفر هم فعال فرهنگی در حوزه‌های مختلف بودند؛ بنابراین، کلیه افراد مشارکت‌کننده از اطلاعات لازم درخصوص موضوع برخوردار بودند و اساتید دانشگاه‌های مرتبط با حوزه‌های فرهنگی و دینی مورد مصاحبه قرار گرفتند و همچنین، فعالان فرهنگی در موضوعات مرتبط با حجاب و تمدن‌سازی کار کرده و صاحب‌نظر بودند و گاه به‌طور ویژه به محقق معرفی می‌شدند و بنابراین، توانستند با نظرات کارشناسی خود، پژوهش را در مسیر درست خود هدایت کنند.

جدول ۲. مفاهیم مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان درخصوص روش‌های پذیرش فرهنگ (فرهنگ‌پذیری) حجاب در افراد

ردیف	مفاهیم (مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان)	مقولات
کد ۱	به‌کارگیری روش‌های نهادینه‌سازی رفتار مانند تشویق افراد، آموزش و تکرار ارزش حجاب	تکرار ارزش حجاب در طولانی‌مدت
کد ۷	فرهنگ‌پذیری یک جریان است که حتی از طریق خواندن لالایی برای کودکان هم باید به آن اهتمام ورزید.	
کد ۹	امور فرهنگی مسائلی زیربنایی هستند و لازم است با یک برنامه‌ریزی طولانی‌مدت و با توجه به سلاقی مختلف این مهم برنامه‌ریزی انجام شود.	
کد ۱۶	نهادینه‌کردن حجاب و تبدیل آن به بخشی از فرهنگ پذیرفته‌شده جامعه، نیازمند رویکردی جامع، تدریجی و متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی است.	
کد ۱۶	نقش خانواده به‌عنوان نخستین محیط تربیتی کلیدی است؛ رفتار والدین باید به‌گونه‌ای باشد که فرهنگ حجاب به‌صورت طبیعی به فرزندان منتقل شود.	اقدامات حمایتی خانواده

ردیف	مفاهیم (مستخرج از نظرات مشارکت کنندگان)	مقولات
کد ۱۷	تشویق و تحسین فرزند دارای حجاب در شرایط خاص	
کد ۱۷	نظارت والدین بر محتوای شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده فرزندان	
کد ۱۷	انتخاب مدرسه مناسب برای فرزندان و تشویق آنها به شرکت در برنامه‌های مذهبی مدارس	
کد ۱۷	کمک به انتخاب دوستان با ارزش مشترک برای فرزندان	
کد ۱۷	فضای گرم و صمیمی خانواده و تأثیرگذاری آنها بر فرزندان	
کد ۱۷	محبت خانواده و به خصوص پدر به فرزندان باحجاب	
کد ۱	آموزش غیر کلامی توسط خانواده‌ها با نشان دادن عمل و رفتار خانواده	آموزش پذیرش حجاب
کد ۱	اگر از کودکی فرزندان را با آموزش‌های دینی تربیت اسلامی کنیم، می‌توانیم امید داشته باشیم که در آینده الزام بیشتری به رعایت قوانین و هنجارهای و ارزش‌های اسلامی داشته باشند.	
کد ۶	از طریق آموزش در مدارس، مساجد و رسانه‌های جمعی	
کد ۱۰	آموزش‌های عقل‌پذیر از دوران کودکی	
کد ۱۳	از طریق مدارس و گاه دانشگاه‌ها باید راهنمایی ارشاد ترغیب و تشویق به حجاب شوند.	
کد ۱۶	مفاهیم مرتبط با حجاب باید به صورت غیرمستقیم و با رویکردی جذاب در محیط‌های آموزشی مانند مدارس و مهدکودک‌ها ارائه شود.	
کد ۱۵	فرهنگ و آموزش و پرورش نقش بی‌بدیلی در این زمینه دارند.	
کد ۱۵	معاونت فرهنگی در آموزش و پرورش می‌تواند خیلی تأثیرگذار باشد.	
کد ۱۵	گزینش درست معلمان و موافقت آنها با فرهنگ حجاب، تأثیر زیادی در پذیرش دانش‌آموزان دارد.	
کد ۳	افراد وقتی حجاب را می‌پذیرند که ارزش خودشان و جایگاه واقعی خودشان را بدانند.	آگاهی بخشی
کد ۳	اگر احترام به جسم و روح تعریف درستی پیدا کند، افراد به سمت حجاب تمایل پیدا می‌کنند و این قطعاً فراتر از مباحث دینی و اسلامی است.	
کد ۸	برای تبدیل یا تغییر رفتار (بینش به کنش) در مورد حجاب، باید آگاهی بخشی و معرفت‌دادن صورت گیرد. این آگاهی بخشی نیز چند بعدی است. در رأس آن خانواده‌ها مسئولیت مهمی دارند و سپس نهادهای واسط باید به خانواده‌ها آگاهی درست بدهند.	
کد ۸	دوره انذار تمام شده است باید با آگاهی بخشی صحیح صورت پذیرد.	
کد ۱۶	آموزش و آگاهی بخشی از سنین پایین نقش مهمی در این فرآیند دارد.	
کد ۱۶	تأکید بر اختیار و اقناع به جای اجبار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.	
کد ۴	ارائه الگوهایی از زنان موفق با حفظ حجاب در تاریخ اسلام و معاصر نقش مهمی در پذیرش حجاب دارد.	ارائه الگوهای مثبت از افراد با حجاب
کد ۳	گسترش تبلیغات و مانور روی افراد با حجاب موفق	
کد ۱	نشان دادن افراد باحجاب موفق (الگوسازی)	

ردیف	مفاهیم (مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان)	مقولات
کد ۱۲	باید افرادی که با حجاب خود به بالاترین مراتب علمی و اقتصادی و غیره رسیده‌اند، به‌عنوان الگو به نسل جوان شناسانده بشوند.	
کد ۱۶	ترویج الگوهای مثبت از طریق معرفی شخصیت‌های الهام‌بخش	
کد ۱۳	قهرمان‌سازی از قشرهای مختلف با حجاب (پزشکان، دانشمندان زن از اقشار مختلف)	
کد ۱۷	انتخاب حجاب توسط مادر به‌صورت عاشقانه	
کد ۱۳	از طریق افراد مشهور و سلبریتی حجاب را برای جوانان ترویج بدهیم.	
کد ۱۶	از راهکارهای کلیدی، ایجاد الگوسازی‌های موفق است. معرفی زنان محجبه موفق در عرصه‌های علمی، فرهنگی هنری و سیاسی می‌تواند تصویری مثبت از حجاب به‌عنوان نمادی از توانمندی و هویت فردی ایجاد کند.	
کد ۶	استفاده از چهره‌های محبوب و تأثیرگذار در جامعه برای الگوبرداری و ترویج حجاب	
کد ۴	گفتمان حجاب باید از طریق رسانه‌ها، هنر، فضاهای فرهنگی و آموزشی تقویت شود.	استفاده از هنر و رسانه برای ترویج حجاب
کد ۵	یکی از ابزارهای مهم فرهنگ‌سازی حجاب، رسانه‌های گوناگون صوتی، تصویری و دیجیتال است.	
کد ۵	استفاده از رسانه‌ها و تکرار آن در فضای عمومی جامعه	
کد ۳	ساخت فیلم از زندگی‌نامه افراد با حجاب موفق در جامعه	
کد ۱۰	توجه به حفظ کرامت حجاب و صاحبان آن در فضای رسانه‌ای	
کد ۱۶	استفاده از رسانه و هنر، گامی دیگر در این راستاست. تولید محتوای فرهنگی و هنری، از فیلم‌ها و مستندها گرفته تا کمپین‌های دیجیتالی در شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند حجاب را به‌عنوان بخشی از سبک زندگی اسلامی به مخاطبان جهانی معرفی کند.	
کد ۱۶	تولید محتوای رسانه‌ای با رویکردی زیبا و عمقی، تصویر مطلوبی از حجاب ارائه می‌دهد.	
کد ۶	نشان دادن حجاب به‌عنوان ارزش از طریق تولید آثار فرهنگی مانند فیلم، سریال، تئاتر و ادبیات	
کد ۷	از ابعاد انسان‌شناسی و فلسفه حجاب در تبیین جایگاه آن باید کمک گرفت.	استدلال منطقی برای پذیرش حجاب
کد ۱	استدلال منطقی برای لزوم حجاب برای افراد که این ارزش را بپذیرند.	
کد ۴	باید فلسفه حجاب را به‌طور عقلانی و عاطفی برای جامعه توضیح داد.	
کد ۷	اقتناع‌سازی از طریق گفتمان فلسفی است.	
کد ۱۶	تبیین فلسفه حجاب از منظر دینی، اجتماعی و روان‌شناختی با زبانی ساده و قابل‌فهم می‌تواند انتخاب حجاب را به یک تصمیم آگاهانه تبدیل کند.	
کد ۱۶	حجاب باید از یک انتخاب فردی به یک عنصر هویتی و فرهنگی تبدیل شود که ارزش‌های انسانی و اخلاقی را در خود جای داده و با فرهنگ‌های مختلف ارتباط برقرار کند.	
کد ۱۶	تعریف فلسفی و عقلانی حجاب با تبیین مبانی اخلاقی، انسانی و اجتماعی حجاب، می‌تواند آن را به ارزش‌هایی همچون احترام به کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و	

ردیف	مفاهیم (مستخرج از نظرات مشارکت کنندگان)	مقولات
	کاهش نگاه ابزاری به انسان پیوند دهد.	
کد ۷	وقتی جامعه در یک ساختار مطلوب اجتماعی قرارگیرد و هر چیزی در جای خودش تعریف شود و انگاره‌های ذهنی سامان یابد، پذیرش فرهنگ حجاب رخ می‌دهد	نقش حمایتی دولت
کد ۱۰	پرهیز از رفتارهای غیرشرعی و سلیقه‌ای در اعمال مصادیق حجاب	
کد ۵	با اجرای صحیح و قاطع قانون و اقناع افکار عمومی	
کد ۱۳	برپایی نمایشگاه‌های جذاب حجاب و عرضه محصولات با قیمت مناسب	
کد ۱۵	دولت باید نقش حمایتی، ضمانتی و ترویجی داشته باشد.	
کد ۱۶	سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نیز باید در راستای حمایت از این ارزش دینی و ملی باشد.	
کد ۱۰	توجه به بعد انسانی حجاب پیش از بعد شرعی و سیاسی آن	تقویت جنبه‌های دینی حجاب
کد ۱۰	تبیین جایگاه واقعی حجاب	
کد ۱۳	در گروه‌های میان سال بایستی به تقویت بنیان‌های دینی آنها پرداخت.	
کد ۱۳	از طریق خانواده‌ها باید باورهای مذهبی را قوی کرد.	
کد ۱۷	استدلال منطقی و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی در سنن خاص برای بچه‌ها	
کد ۶	حمایت از تولید و طراحی لباس‌های اسلامی زیبا و مدرن متناسب با حجاب اسلامی	توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی حجاب
کد ۱۰	توجه به پوشش‌ها و سلاقی روز برای نسل‌های مختلف	
کد ۱۱	توجه به ابعاد انگیزشی در بحث حجاب	
کد ۱۱	باید جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به کمک هنرمندان و اصحاب فن و هنر بتوانند جلوه‌های زیبایی از حجاب و پوشش را نشان بدهند که هم حدود شرعی رعایت شود و هم متناسب با نیاز جامعه و شرایط روحی و روانی افراد باشد.	
کد ۱۶	این ابزارها به جذابیت و پذیرش جهانی حجاب کمک کرده و آن را از سطح یک نماد مذهبی به یک ارزش اخلاقی و تمدنی ارتقا می‌دهند.	

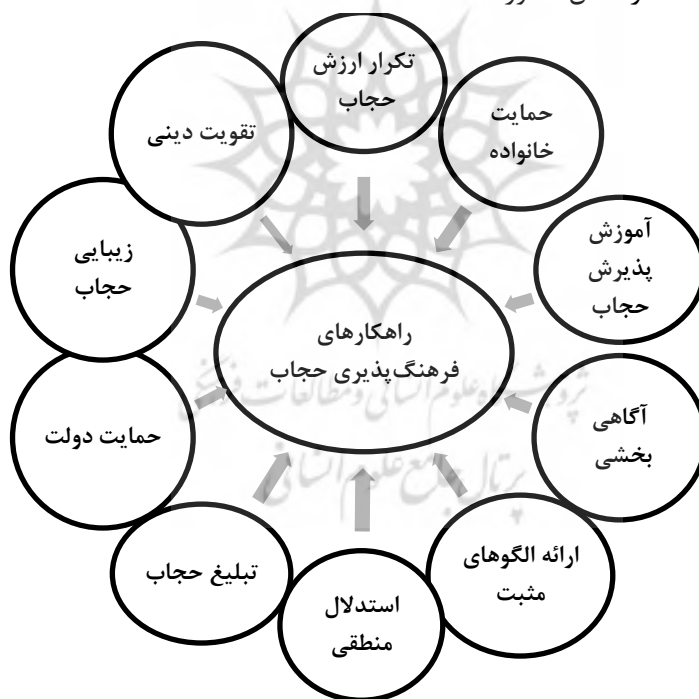
مطابق جدول فوق، ۶۶ مفهوم در توضیح چگونگی ترویج حجاب از سوی مشارکت‌کنندگان مطرح شد که در ۱۰ مقوله «تکرار ارزش حجاب در طولانی‌مدت»، «اقدامات حمایتی خانواده»، «آموزش پذیرش حجاب»، «آگاهی‌بخشی»، «ارائه الگوهای مثبت از افراد باحجاب»، «استفاده از هنر و رسانه برای ترویج حجاب»، «استدلال منطقی برای پذیرش حجاب»، «نقش حمایتی دولت»، «تقویت جنبه‌های دینی حجاب» و «توجه به جنبه‌های زیبایی‌شناختی حجاب» دسته‌بندی شد که چند نمونه از نظرات در ادامه آورده می‌شود:

کد ۱۱: «فرهنگ سه رکن اساسی دارد: یکی قانون و هنجار، دوم آموزش و سوم که خیلی مهم هست انگیزش است. ما در بعد اول و دوم مشکل نداریم، در سومی مشکل داریم. انگیزش به ارتباط برمی‌گردد که هم از بعد جامعه‌شناسی هم روانشناسی باید به آن توجه شود و رسانه در این زمینه نقش خیلی مهمی خواهد داشت».

کد ۱۶: «با استفاده از راهبردهای فرهنگی و اجتماعی هوشمندانه، می‌توان حجاب را به‌عنوان جزئی از فرهنگ پذیرفته‌شده جامعه نهادینه کرد».

کد ۱۲: «وقتی ما مفید بودن یک مقوله را درک کردیم، آن را پذیرش می‌کنیم و حاضر نیستیم با هیچ قیمتی آن را از دست بدهیم و برای آن ارزش قائل می‌شویم».

خلاصه یافته‌ها در شکل ۱ آورده شده است.



شکل ۱. روش‌های پذیرش فرهنگ (فرهنگ‌پذیری) حجاب در افراد

جدول ۲. مفاهیم مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان در خصوص گفتمان‌سازی حجاب در تمدن‌سازی اسلامی

ردیف	مفاهیم (مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان)	مقولات
کد ۳	در گفتمان‌سازی تمدن اسلامی باید به دستاوردهایی که زنان مسلمان موفق کسب کرده‌اند، اشاره شود.	معرفی دستاوردهای زنان موفق
کد ۳	معرفی زنان باحجابی که در جهان اسلام توانسته‌اند موفقیت‌های زیادی را کسب کنند.	
کد ۱۶	ایجاد بسترهای فرهنگی و اجتماعی مانند برگزاری نمایشگاه‌ها، نشست‌ها و رویدادهای مرتبط با موضوع حجاب، زمینه‌ساز گفتمان‌سازی مؤثر خواهد بود.	
کد ۵	ترویج موفقیت روزافزون زنان باحجاب به‌عنوان یک نماد فرهنگی برای تمدن‌سازی	
کد ۳	با معرفی حجاب به‌عنوان یک فرهنگ که شامل حد و حدود جسمی و حیای گفتار و رفتار است، می‌توانیم فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی را به جهان نشان بدهیم.	گفتمان هویتی، دینی و اخلاقی
کد ۴	حجاب نشان‌دهنده پیوند زنان با ارزش‌های توحیدی و اخلاقی است. این ارزش‌ها در تمدن اسلامی ریشه دارد و باعث تمایز آن از سایر تمدن‌ها می‌شود.	
کد ۴	وقتی زنان مسلمان با حفظ حجاب در عرصه‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی حضور فعال داشته باشند، این پیام را می‌رسانند که تمدن اسلامی توانایی ایجاد تعادل بین ارزش‌های معنوی و پیشرفت مادی را دارد.	
کد ۱۶	حضور زنان محجبه در عرصه‌های بین‌المللی نیز به ایجاد گفتمانی جهانی درباره تمدن اسلامی و تقویت جایگاه آن در سطح بین‌المللی کمک می‌کند.	
کد ۱۶	ترویج گفتمان اخلاقی و معنوی از طریق تأکید بر ارزش‌های عفاف و خلوص در منظومه تمدنی اسلام، می‌تواند جایگاه حجاب را به‌عنوان یک پیام تمدنی تقویت کند.	
کد ۱۶	پذیرش فرهنگ حجاب نه تنها می‌تواند به تقویت هویت تمدنی اسلام کمک کند، بلکه با تبیین درست، معرفی هنری و گفتمان‌سازی هدفمند، به ابزاری برای پیشبرد گفتمان تمدن اسلامی در سطح جهانی مبدل شده است.	
کد ۱۶	حجاب جلوه‌ای از تمدن اسلامی است که در گفتمان جهانی می‌تواند جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.	
کد ۱۶	حجاب به‌عنوان یکی از نمادهای هویتی تمدن اسلامی، قابلیت تبدیل به ابزاری قدرتمند در گفتمان‌سازی این تمدن در سطح جهانی را دارد.	
کد ۱۴	خود حجاب به‌عنوان ارتباط غیرکلامی که در پوشش افراد تجلی پیدا می‌کند، گفتمان‌سازی است.	حجاب گفتمان غیر کلامی
کد ۳	حجاب نماد است و به گفتمان‌سازی تمدن اسلامی کمک می‌کند.	
کد ۹	حجاب در تمام گفتمان‌ها با تعاریف خاص در قالب‌های علمی و دینی مطرح بوده است.	
کد ۱۱	در جوامع اسلامی حجاب یکی از نمادهای گفتمان‌سازی تمدن اسلامی است.	
کد ۱۱	حجاب به‌عنوان یک نماد فرهنگی نقش بسیار زیادی در تمدن‌سازی دارد.	
کد ۱۱	گفتمان یک امر ذهنی است و تمدن یک امر عینی و کاملاً مشهود. حجاب کاملاً مرتبط با تمدن‌سازی می‌باشد.	

ردیف	مفاهیم (مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان)	مقولات
کد ۱۱	حجاب کاملاً می‌تواند نماد تمدن اسلامی باشد.	
کد ۵	ترویج و تبلیغ حجاب به‌نوع یک نماد فرهنگی تمدن‌ساز	
کد ۹	گفتمان‌سازی حجاب با ارائه شخصیت الگوی سوم زن در صدا و سیما	گفتمان‌سازی حجاب در رسانه
کد ۹	نمایش و الگوسازی از زنان مسلمان محجبه در رسانه‌ها و فضای مجازی	
کد ۸	بحث حجاب یا پوشش شاخص‌هایی در یک حلقه ارتباطی چند وجهی است و رسانه باید روی همه این ابعاد کار کند.	
کد ۱۲	برای رسیدن به تمدن اسلامی، چهار رکن دین، عقل، علم و اخلاق، به‌عنوان زنجیره مستمر و منطقی نیاز است.	

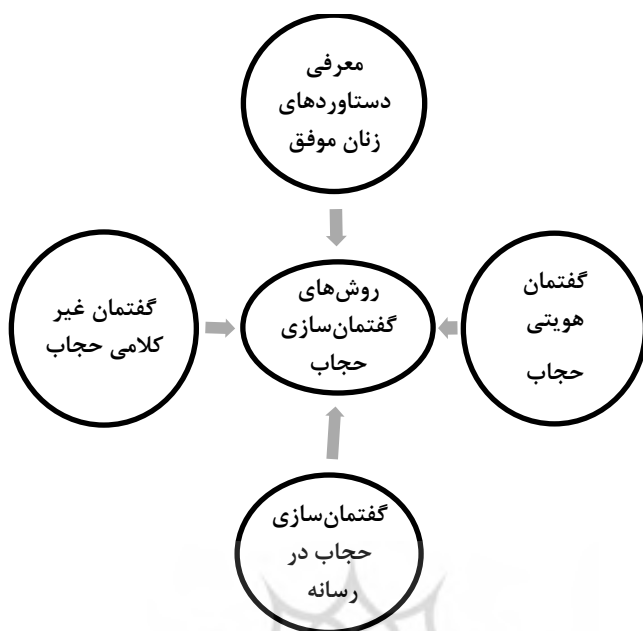
نظرات مشارکت‌کنندگان درخصوص نقش گفتمان‌سازی حجاب در تمدن‌سازی اسلامی در ۲۴ مفهوم تبیین و در ۴ مقوله «معرفی دستاوردهای زنان موفق»، «گفتمان هویتی»، «دینی و اخلاقی حجاب»، «گفتمان غیرکلامی» و «گفتمان‌سازی حجاب در رسانه» دسته‌بندی شد. که به نمونه‌ای از نظرات اشاره می‌شود:

کد ۸: «بحث حجاب یا پوشش پارادایمی است و در یک حلقه ارتباطی چندوجهی قرار می‌گیرد و اگر ما متوجه باشیم، درواقع می‌بینیم که جامعه باید روی همه این ابعاد کار کند تا درست نتیجه بگیرد؛ مثلاً بحث روابط را رها کرده ایم و به حجاب پرداخته ایم، از موضوعاتی مثل خیانت در خانواده و یا دروغ غافل شده‌ایم».

کد ۵: «بدیهی است وقتی زنان با رعایت حجاب خود در پیشرفت کشور با وجود محدودیت پوشش و حفظ هویت خود کمک می‌کنند، خود نوعی تبلیغ برای کشور در دستیابی به قله‌های رفیع تمدن‌سازی خواهد بود و این پیشرفت خود زمینه‌ساز تبلیغ و ساخت تمدن اسلامی خواهد شد».

کد ۳: «در گفتمان‌سازی تمدن اسلامی باید به دستاوردهایی که افراد مسلمان کسب کرده‌اند و نحوه زندگی مسلمانان موفق اشاره شود. با شناخت و مانور روی چهره‌های موفق مسلمان زن که با پوشش و حجایی کامل به فعالیت خود در جامعه و خانواده ادامه می‌دهند و در هر دو بعد موفق و توانمند عمل می‌کنند، می‌توان به این تمدن اسلامی کمک شایانی کرد».

خلاصه یافته‌ها در شکل ۲ آورده شده است.



شکل ۲. روش‌های گفتمان‌سازی حجاب در تمدن‌سازی اسلامی

جدول ۳. مفاهیم مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان در خصوص نقش حجاب در تمدن‌سازی اسلامی

ردیف	مفاهیم (مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان)	مقولات
کد ۱	یکی از نمادهای تمدن اسلامی پوشش و حجاب زنان است.	حجاب نماد تمدن اسلامی
کد ۱۴	حجاب نماد یک فرهنگ است و پوشش خانم‌ها نشان‌دهنده تبعیت آنها از یک فرهنگ و تمدن است.	
کد ۲	پوشش حجاب می‌تواند در رفتار افراد تأثیر بگذارد و تمدن اسلامی را به نمایش بگذارد.	
کد ۲	حجاب به‌عنوان یک فرهنگ و ارزش دینی در تمدن اسلامی مطرح است.	
کد ۴	حجاب به‌عنوان نمادی از تمدن اسلامی، نشان‌دهنده ارزش اسلام برای زن است.	
کد ۴	حضور زنان محجبه در عرصه‌های مختلف علمی، هنری و فرهنگی	
کد ۱۱	حجاب می‌تواند نماد گفتمان‌سازی تمدن اسلامی باشد.	
کد ۱۵	پوشش و حجاب، بیانگر اسلامی‌بودن و تمدن اسلامی است.	
کد ۶	حجاب به‌عنوان یک نماد به گفتمان‌سازی هویت اسلامی کمک می‌کند.	
کد ۶	حجاب می‌تواند به افزایش آگاهی و درک اسلام و تمدن اسلامی منجر شود.	
کد ۶	پذیرش فرهنگ حجاب و ترویج آن می‌تواند به معرفی و ترویج گفتمان تمدن اسلامی در جهان کمک کند.	
کد ۷	حجاب مقوله‌ای است چندوجهی که در حوزه امنیت، سیاست، اقتصاد و مانند آن، در تمدن‌سازی قابل طرح است.	
کد ۵	مشارکت زنان با رعایت حجاب در پیشرفت کشور نوعی تبلیغ برای دستیابی به قله‌های	

ردیف	مفاهیم (مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان)	مقولات
	رفیع تمدن‌سازی است.	
کد ۱	حضور زنان در جامعه با حجاب خاص زنان مسلمان، نماد تمدن اسلامی است.	
کد ۱	برای ساخت تمدن اسلامی زنان می‌توانند با پوشش حجاب، دستاوردهای فرهنگی، علمی، هنری و سیاسی و اجتماعی را به نمایش بگذارند که همه این‌ها موجب تمدن‌سازی می‌شود.	
کد ۱	زنان باحجاب و پوشش اسلامی در فعالیت‌های علمی و فرهنگی مشارکت فعال داشته باشند.	
کد ۱۶	معرفی زنان محجبه موفق در عرصه‌های علمی، فرهنگی، هنری و سیاسی می‌تواند تصویری مثبت از حجاب به‌عنوان نمادی از توانمندی و هویت فردی ایجاد کند. این الگوسازی به جهانی‌سازی ارزش‌های تمدن اسلامی کمک شایانی خواهد کرد.	
کد ۱	معرفی جوانان با حجاب موفق در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ورزشی در جهان	وجود زنان
کد ۱	حضور زنان در صحنه‌های اجتماعی، فعالیت‌های مدنی و خیریه و داشتن کارکردهای اجتماعی و اقتصادی قابل‌توجه با پوشش و حجاب اسلامی همگی می‌توانند به تمدن‌سازی اسلامی کمک کنند.	موفق باحجاب نماد تمدنی
کد ۳	معرفی و شناساندن زنان باحجاب موفق در جهان به‌صورت مجازی در پلتفرم‌ها می‌تواند به پیشرفت تمدن اسلامی در کل جهان کمک کند.	
کد ۳	با ساختن کلیپ‌های کوتاه و جذاب از شرکت بانوان محجبه در فعالیت‌های اجتماعی می‌توان تمدن اسلامی را گفتمان‌سازی کرد.	
کد ۱	زن مسلمان دارای حجاب اسلامی اگر جزو اندیشمندان مطرح جهان باشد یا هنرمند خاصی باشد می‌تواند در تمدن‌سازی اسلامی دخیل باشد.	
کد ۱	زن با پوشش اسلامی اگر منصب مهم سیاسی در کشور داشته باشد، به تمدن‌سازی اسلامی کمک می‌کند.	
کد ۱۳	زنان با حجاب کامل، مناسب، جذاب و شیک می‌توانند الگویی برای دنیا که خود نوعی تمدن‌سازی است، باشند.	حجاب
کد ۱۶	توجه به نوآوری در طراحی مد اسلامی و ایجاد تنوع در سبک‌های حجاب، می‌تواند پذیرش جهانی آن را تسهیل کند.	حجاب و جذاب
کد ۷	وقتی حجاب به‌مثابه یک نیاز بشری برای ساختن چارچوب‌های مطلوب جامعه انسانی مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد، طبیعی است که در هژمونی تمدن‌سازی جای خود را باز می‌کند.	
کد ۷	تمدن مجموعه‌ای از راهکارهای زندگی را برای اداره جامعه به جهان ارائه می‌دهد که حجاب در این مجموعه، راهکاری اساسی برای حفظ زیست عقیقانه است که موجب آرامش و امنیت روانی جامعه خواهد بود.	گفتمان‌سازی تمدنی حجاب
کد ۸	باید افراد را علاقمند و شیفته حجاب کرد؛ آن وقت خود افراد به‌صورت خودجوش حرکت خواهند کرد و تمدن‌سازی رخ خواهد داد.	
کد ۱	حضور زنان با حجاب اسلامی در نشست‌ها و اجلاس‌های جهانی بیانگر تمدن‌سازی اسلامی	حضور زن باحجاب در مجامع جهانی
کد ۹	حجاب یک بخش از تمدن اسلامی است که زنان با فعالیت اجتماعی و مشارکت در	

ردیف	مفاهیم (مستخرج از نظرات مشارکت‌کنندگان)	مقولات
	صحنه‌های مختلف باید به نمایش بگذارند.	
۱۶ کد	دیپلماسی فرهنگی نیز ابزاری مهم در این مسیر است. برگزاری نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و برنامه‌های بین‌المللی می‌تواند حجاب را به‌عنوان بخشی از تنوع فرهنگی جهان معرفی کرده و از طریق گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی، آن را به ارزش‌های جهانی پیوند دهد.	
۱۵ کد	پوشاک یک رسانه قوی تمدنی و یک سنجه قوی نشان‌دهنده تمدن اسلامی است و به‌مثابه یک رسانه و ابزار برای شناخت مردم هر سرزمین است.	حجاب رسانه
۱۵ کد	دین‌خانم‌ها از ظاهر و حجابشان آشکار می‌شود.	تمدنی
۱۶ کد	حجاب به‌عنوان یک عنصر بنیادین در تمدن اسلامی، نقش برجسته‌ای در نمایش ارزش‌ها و اصول این تمدن دارد.	
۱۶ کد	حجاب فراتر از یک پوشش ظاهری، نمادی فرهنگی، معنوی و اجتماعی از ابعاد هویت اسلامی را به تصویر می‌کشد.	
۱۶ کد	حجاب بازتابی از تعهد فردی و جمعی مسلمانان به اصولی چون عفاف، عدالت، احترام به کرامت انسانی و تعادل میان جنبه‌های مادی و معنوی زندگی است.	
۱۶ کد	حجاب با تأکید بر عفاف و پاکدامنی، یکی از اصول اخلاقی کلیدی تمدن اسلامی را نمایان می‌سازد و جایگاه زنان را به‌عنوان افرادی توانمند و تأثیرگذار در عرصه‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی برجسته می‌کند.	حجاب نماد هویت دینی اسلامی
۱۷ کد	تمدن اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که زن با حفظ هویت اسلامی خود در عرصه‌های مختلف جامعه حاضر شود.	
۱۶ کد	حجاب می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای معرفی و ترویج ارزش‌های تمدن اسلامی، تقویت هویت مسلمانان در جهان و ایجاد پلی برای تعامل سازنده با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر عمل کند.	

نظرات مشارکت‌کنندگان درخصوص نقش حجاب در تمدن‌سازی اسلامی در ۳۹ مفهوم تبیین و در ۷ مقوله «حجاب نماد تمدن اسلامی»، «وجود زنان موفق باحجاب نماد تمدنی»، «حجاب شیک و جذاب»، «گفتمان‌سازی تمدنی حجاب»، «حضور زن باحجاب در مجامع جهانی»، «حجاب رسانه تمدنی» و «حجاب نماد هویت و تمدن اسلامی» دسته‌بندی شد که به نمونه‌ای از نظرات اشاره می‌شود:

کد ۷: «وقتی از تمدن سخن می‌گوییم، یک مجموعه‌ای از راهکارهای زندگی را نیز برای اداره جامعه به جهان ارائه می‌نماییم که حجاب در این مجموعه، راهکاری اساسی برای حفظ زیست عقیقانه است که موجب آرامش و امنیت روانی جامعه خواهد بود؛ بنابراین، حجاب مقوله‌ای است چندوجهی که در حوزه امنیت، سیاست، اقتصاد و مانند آن، قابل طرح است».

کد ۱۶: «حجاب به‌عنوان نمادی از هویت اسلامی، تعهد به ارزش‌های دینی و فرهنگی را به نمایش می‌گذارد و تصویری از زنان و مردانی ارائه می‌دهد که به‌واسطه این ارزش‌ها در مسیر اخلاقی و معنوی گام برمی‌دارند. این رویکرد، کرامت انسانی را ارج می‌نهد و از نگاه ابزاری به انسان جلوگیری می‌کند و این خود مظهر تمدن اسلامی است».

کد ۱۵: «لباس و پوشش در سطح گفتمانی کارکرد متفاوتی دارد. پوشاک یک رسانه قوی تمدنی است و یک سنجه قوی نشان‌دهنده تمدن اسلامی است و به‌مثابه یک رسانه و ابزار برای شناخت مردم هر سرزمین است و چگونگی ارتباط فرهنگی را نشان می‌دهد. حجاب فرهنگ اسلامی را انتقال می‌دهد. دین‌خانه‌ها از ظاهر و حجابشان آشکار می‌شود».

خلاصه یافته‌ها در شکل ۳ آورده شده‌است:



شکل ۳: حجاب در تمدن‌سازی اسلامی

بحث و نتیجه‌گیری

تمدن اسلامی مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی مسلمانان است که با محوریت آموزه‌های قرآنی و سنت پیامبر اسلام (ص) و تعامل با سایر تمدن‌ها شکل گرفته است و تمدن‌سازی اسلامی نیازمند نگاه جامع و تعالی‌بخشی به تمام جنبه‌های زندگی بشر و نیازهای او از دیدگاه اسلامی است که نتیجه آن، تمدن نوین اسلامی است که ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، نظام‌مند و نوظهور امت اسلامی بر اساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را نشان می‌دهد. مقام معظم رهبری مراحل رسیدن به تمدن اسلامی را شامل انقلاب اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، نظام اسلامی، جامعه اسلامی و در نتیجه، تمدن اسلامی می‌دانند.

یکی از نمادهای جامعه اسلامی، وجود حجاب و پوشش مناسب زنان مطابق ارزش‌های اسلامی در جامعه است. اگرچه مسئله حجاب، جنبه عینی و نمادین اعتقادات فرد است اما جنبه‌های بسیار حقیقی و حیاتی هم در ابعاد گوناگون فقهی، شرعی، اعتقادی و اخلاقی دارد و می‌تواند به عنوان یکی از نمادهای تمدن اسلامی محسوب گردد. نتایج این پژوهش نشان داد که اقداماتی مانند تکرار ارزش حجاب در طولانی مدت، اقدامات حمایتی خانواده، آموزش پذیرش حجاب، آگاهی‌بخشی، ارائه الگوهای مثبت از افراد با حجاب، استفاده از هنر و رسانه برای ترویج حجاب، استدلال منطقی برای پذیرش حجاب، نقش حمایتی دولت، تقویت جنبه‌های دینی حجاب و توجه به جنبه‌های زیبایی شناختی حجاب می‌تواند در ترویج فرهنگ حجاب در جامعه کمک کند. با ترویج فرهنگ حجاب در جامعه، گفتمان‌سازی آن شکل می‌گیرد و متناسب با آن، فرهنگ حجاب هم گسترده‌تر می‌شود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش اقداماتی مانند معرفی دستاوردهای زنان موفق، گفتمان هویتی، دینی و اخلاقی حجاب در جامعه، گفتمان غیرکلامی حجاب به عنوان یکی از انواع ارتباطات که در پوشش افراد تجلی پیدا می‌کند و گفتمان‌سازی حجاب در رسانه‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای نوین و به صورت غیرمستقیم که جذاب و مخاطب‌پسند باشد و ابعاد

زیبایی‌شناسی حجاب را به شایستگی معرفی کند را به‌عنوان راهکارهایی برای گفتمان‌سازی فرهنگ حجاب مطرح کردند. حجاب به‌عنوان یک نماد ظاهری از فرهنگ و تمدن اسلامی تأثیر زیادی در برجسته‌کردن این تمدن دارد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به موارد زیر اشاره کرده‌اند: حجاب نماد تمدن اسلامی است، وجود زنان موفق باحجاب نماد تمدنی به حساب می‌آیند، حجاب شیک و جذاب متناسب با سلايق روز می‌تواند به گسترش حجاب کمک کند و پذیرش جهانی آن را تسهیل کند، علاقمندی به حجاب اگر به‌صورت خودجوش ایجاد شود، گفتمان‌سازی تمدنی حجاب رخ خواهد داد، دیپلماسی فرهنگی نیز ابزاری مهم در این مسیر است. برگزاری نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و برنامه‌های بین‌المللی می‌تواند حجاب را به‌عنوان بخشی از تنوع فرهنگی جهان معرفی کند و از طریق گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی، آن را به ارزش‌های جهانی پیوند دهد و حضور زنان باحجاب در مجامع جهانی در این مسیر به تمدن‌سازی اسلامی کمک می‌کند و پوشاک به‌عنوان یک رسانه قوی تمدنی و یک سنجه قوی نشان‌دهنده تمدن اسلامی است و به‌مثابه یک رسانه و ابزار برای شناخت مردم هر سرزمین است و درنهایت، حجاب با تأکید بر عفاف و پاکدامنی، یکی از اصول اخلاقی کلیدی تمدن اسلامی را نمایان می‌سازد و جایگاه زنان را به‌عنوان افرادی توانمند و تأثیرگذار در عرصه‌های علمی، اجتماعی و فرهنگی برجسته می‌کند و نماد هویت و تمدن اسلامی در بین زنان مسلمان است.

در تطبیق یافته‌های این پژوهش با پیشینه، هماهنگی‌هایی وجود داشت که ازجمله آنها، نوبخت (۱۴۰۳) در واکاوی پوشش و لباس متناسب با اسلام و فرهنگ، راهکارهای مختلفی مانند بررسی تغییر ذائقه‌ها در پوشش و طراحی لباس در ادوار مختلف تاریخی و تأثیرپذیری فرهنگی آن، بررسی تحول و تطور لباس برگرفته از تمدن فرهنگ و سنت در ایران و در ملت‌های جهان را برای ترویج فرهنگ حجاب ارائه می‌دهد که در پژوهش حاضر هم به بحث زیبایی‌شناسی حجاب و تأثیر آن بر گسترش آن در جهان اشاره شده است. همچنین، موسوی (۱۴۰۱) در مطالعه رابطه حجاب و پوشش زنان منتظر با تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) حجاب زن

منتظر را در تمدن نوین اسلامی هویت‌ساز معرفی نموده‌است و پژوهش حاضر هم بر این موضوع تأکید زیادی داشت. محمدی‌آشنایی (۱۳۹۶) هم در بازشناسی عوامل و راهکارهای ترویج گفتمان و فرهنگ‌سازی عفاف و حجاب نشان داد که به‌کارگیری راهکارهایی همچون آموزش در نظام خانواده و مراکز آموزشی، تبیین علمی و شناساندن آثار گوناگون عفاف و حجاب و معرفی پیامدهای کنارنهادن آن با استفاده از هنر، رسانه و فضای مجازی می‌تواند عفاف و حجاب را در جامعه به فرهنگ و گفتمان غالب، برتر و سبک زندگی مبدل ساخت و زمینه و بستر لازم برای گفتمان‌سازی آن در عرصه بین‌المللی را فراهم آورد و نظر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش هم تأییدکننده همین مطلب بود. ملامحمدی (۱۳۹۶) در واکاوی حجاب در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، حجاب را یکی از جلوه‌های بارز تمدنی می‌شناسد که از دیرباز و حتی قبل از ظهور اسلام، در مناطق دارای تمدنی چون سرزمین‌های ایران باستان قابل‌رؤیت بوده‌است و پژوهش حاضر هم به اینکه پوشاک یکی از مظاهر بارز تمدنی است، تأکید داشته‌است. هماهنگی یافته‌ها با پژوهش میزل (۲۰۱۹) با عنوان «حجاب من نشان‌دهنده هویت من است نه مذهب من» نیز وجود دارد که تصور و توجیه حجاب، تنها یک برداشت شرعی نیست و درواقع، یک برداشت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است؛ زیرا پوشیدن حجاب با مدرن‌سازی هماهنگ است و به‌سازگاری زن مسلمان در همه‌جا کمک می‌کند. همچنین، حجاب فراتر از بعد شرعی آن است و مظهری از هویت و اصالت زن مسلمان و تمدن اسلامی است.

پیشنهادهای

۱. از آنجا که پوشاک به‌عنوان یکی از نمادهای عینی تمدنی به حساب می‌آید، ابتدا باید با فرهنگ‌سازی در درون کشور، حفظ حجاب را در بین افراد نهادینه کرد. برای این کار باید از شیوه‌های مدرن بهره‌گیری از رسانه‌های نوین، در نظر گرفتن سلیقه‌های متعدد، توجه به جنبه‌های زیباشناختی حجاب و استدلال منطقی به مرور زمان بهره گرفت. در این خصوص وزارت فرهنگ

- و ارشاد اسلامی، تلویزیون با الگوسازی و نشان‌دادن سلبیریتی‌ها با حجاب و پوشش اسلامی می‌توانند بیشترین تأثیر را داشته باشند؛
۲. گفتمان‌سازی وسیع در حوزه‌های مختلف برای ترویج حجاب می‌تواند به تأثیر این امر کمک کند. این گفتمان‌سازی به‌وسیله رسانه‌ها و فضای مجازی به‌شیوه‌های مختلف می‌تواند تأثیرگذار باشد و آموزش و پرورش هم می‌تواند در گفتمان‌سازی حجاب در بین دانش‌آموزان نقش‌آفرینی قابل‌توجهی داشته باشد؛
۳. بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی به مناسبت‌های مختلف در کشورهای گوناگون و نمایش نماد حجاب در قالب‌های مختلف صنایع دستی، نقاشی، نمایشگاه پوشاک، کلیپ و مانند آن توسط سازمان گردشگری و وزارت امور خارجه و نیز وزارت علوم و تحقیقات و فناوری برای نشان‌دادن برگزیدگان و زنان اندیشمند دارای حجاب و پوشش اسلامی می‌تواند تأثیرگذار باشد؛
۴. فعالیت معاونت امور زنان ریاست‌جمهوری در رایزنی فرهنگی برای مشارکت زنان دانشمند، ورزشکار، فعالان سیاسی، فرهنگی و فعالان اقتصادی در مجامع بین‌المللی مرتبط با تخصص آنها می‌تواند تأثیرگذار باشد.

تقدیر و تشکر

محقق بر خود لازم می‌داند از کلیه خبرگانی که از دانشگاه‌های مختلف به‌ویژه دانشگاه جامع علوم انتظامی امین و حوزه علمیه بانو امین تهران و فعالان حوزه زنان شاغل در شورای انقلاب فرهنگی در این پژوهش مشارکت کرده و اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار محقق قرار دادند، قدردانی نماید. همچنین، از مرکز راهبردی فراجا که از این پژوهش برای همایش «نقش فرهنگی، اجتماعی، امنیتی و انتظامی زنان در تمدن‌سازی اسلامی» حمایت مالی داشتند، سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- ابوالقاسمی، محمدجواد. (۱۳۸۴) به‌سوی توسعه فرهنگ‌دینی در جامعه ایران. تهران: عرش پژوه.
- اصغرزاده، سمیه، شایگان، فریبا (۱۳۹۵). ضوابط قانونی عفاف و حجاب و وظایف نیروی انتظامی. فصلنامه دانش انتظامی خراسان، ۳ (۱۱). ۱۸-۴۷.
<https://civilica.com/doc/1852482>
- ایمان، محمد تقی؛ نوشادی، محمود رضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. فصلنامه پژوهش، ۳ (۲)، ۱۵-۴۴.
- بهروزی لک، غلامرضا، کفیلی، رضا (۱۴۰۲). الگوی گفتمان‌سازی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه ای. فصلنامه علوم سیاسی (باقرالعلوم)، ۲۷ (۱۰۸)، ۶۴-
<https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.68225.2861>
- بودریار، ژان (۱۴۰۲). وانموده‌ها و وانمود. ترجمه پیروز ایزدی، تهران، نشر ثالث.
- پاول، هنری مارک (۱۳۷۶). فقر پیشرفت و توسعه. (از مجموعه پژوهش‌های هانری بارتلی). ترجمه مسعود لحدی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- پیروزمند، علیرضا؛ خورشیدی، محمد. (۱۳۹۸). مؤلفه‌های ساختاری تمدن‌سازی اسلامی (با رویکرد آینده پژوهی). دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ۲ (۳)، ۳۲۹-۳۵۲. Doi:10.22070/nic.2019.913
- حقیقت، صادق (۱۳۷۸). گفتگوی تمدن‌ها و برخورد تمدن‌ها، قم: انتشارات طه.
- خواجه‌وندی، علی اصغر؛ رستمی، طاهره؛ جدی‌آرانی، طیبه سادات؛ احمدوند، نفیسه؛ محیطی اردکانی، حسن (۱۴۰۳). هویت و تمدن‌سازی در دانشگاه‌ها با انتخاب حجاب با رویکرد روش‌شناسی کیو (مورد مطالعه: جامعه بانوان نخبه دانشگاه علوم پزشکی کاشان). فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای جهاد تبیین. پژوهش در دست انتشار Doi:10.22052/ijejs.2024.254609.1028
- دورانت، ویل (۱۳۶۷). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی.
- راه‌چمنی، هادی. (۱۳۹۷). حجاب و بی‌حجابی؛ جدال دو تمدن.
<https://ijtihadnet.ir>
- زین‌آبادی، مرتضی. (۱۳۸۶). جامعه‌پذیری حجاب. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۱۰ (۳۸)، ۱۸۰-۲۱۸. <https://sid.ir/paper/93970/fa>
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه برخورد تمدن‌ها. ماهنامه بازتاب اندیشه. ۴ (۱۶)، ۳۱-۲۹. <https://ensani.ir/fa/article/90964>
- عبدالرحمانی، رضا و سهرابی، حسین علی (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی ارتباطات بین

- سازمانی متولیان حجاب و عفاف (سازمان ناجا، شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی). مطالعات راهبردی زنان، ۲۳ (۹۰)، ۵۷-۸۲.
Doi:10.22095/JWSS.2021.234603.2368
- علوی، سید مازیار؛ آقایی، سید امیر؛ حسینی، سید حسین؛ علیگو، محمود. (۱۳۹۵). ریشه یابی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ حجاب و عفاف و ارزیابی راهبردهای نقشه مهندسی فرهنگی - رویکرد سیستمی. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. ۱۱ (۳۷)، ۷-۴۷.
<https://ensani.ir/file/download/article/201709231>
 - علی محمدی آشنایی، علی (۱۳۹۶) بازشناسی عوامل و راهکارهای ترویج گفتمان و فرهنگ‌سازی عفاف و حجاب. مجموعه مقالات همایش ملی نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب. ۱۶۴-۱۷۶. <https://civilica.com/doc/779309.html>
 - غلامی، رضا (۱۳۹۶)، فلسفه تمدن نوین اسلامی، تهران، سوره مهر.
 - کاظم پور ساریدرق، الهام، یاری، جهانگیر، سفیری، خدیجه، معروف پور، مینا؛ قلی پور، آرزو؛ جوانمرد، غلامحسین؛ گل محمدزاده، زینب و عبدالله پور زینب (۱۳۹۷). بررسی تحلیلی حجاب از دیدگاه ادیان سامی (اسلام، یهود و مسیحیت). فصلنامه زن و مطالعات خانواده. ۱۰ (۳۸)، ۶۹-۹۷. <https://journals.iau.ir/article545355.html>
 - فوکو، میشل (۱۴۰۲). مراقبت و تنبیه: تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش، تهران، انتشارات نی.
 - گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. نشر نی
 - ملامحمدی، عباسعلی (۱۳۹۶) واکاوی حجاب در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی. همایش نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب. <https://civilica.com/doc/779342>
 - محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۶) تحلیل اجتماعی مسأله حجاب. مطالعات راهبردی زنان. شماره ۳۸. صفحات ۸۸-۱۳۴. <https://ensani.ir/fa/article/2014>
 - محمدی، عباسعلی (۱۳۹۶). واکاوی حجاب در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی. مجموعه مقالات همایش ملی نگرش علمی و کاربردی به عفاف و حجاب. ۱۴۹-۱۶۳. <https://civilica.com/doc/779342/>
 - مختاریان پور، مجید، و گنجعلی، اسداله. (۱۳۹۰). نهادی‌سازی عفاف و حجاب در جامعه؛ رویکردی فرایندی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۴ (۱۵)، ۱۱۷-۱۵۱.
doi.org/10.7508/ijcr.2011.15.006
 - مذبحی، سعید؛ رجبی، محمد؛ باقری کراچی امین. (۱۳۹۷). جایگاه حجاب در فرهنگ اسلامی و آثار روانی و اجتماعی آن بر جامعه. فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۲۳-۱۳۶. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1388866>
 - مطهری، مرتضی (۱۳۶۸) مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا

- موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۶۴) صحیفه نور. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- موسوی، سیده پروین (۱۴۰۱) رابطه حجاب و پوشش زنان منتظر با تمدن‌سازی نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی). اولین همایش ملی مهدویت و آینده پژوهی. کرمانشاه. ۱۲-۲۸. <https://civilica.com/doc/1626537>
- نوبخت، الهه (۱۴۰۳) واکاوی پوشش و لباس متناسب با اسلام و فرهنگ. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای جهاد تبیین. پژوهش در دست انتشار.
Doi:10.22052/ijejs.2024.254798.1058
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۰). تمدن‌ها بازسازی نظام جهانی. ترجمه مینو احمد سرتیپ. تهران. کتاب سرا.
- Aymen ،Ati (2019). The Post-9/11 Securitisation of the Hijab and International Human Rights Law: the Strasbourg Court“Article 9 and Hijab Restrictions. QMHRR 5 (1) ISSN 2059-8092.
- Bello Abdul Razak (2025). Understanding Modern Hijab Debates in Western. Culture & Society. <https://baytmagazine.com/beyond-the-veil-understanding-modern-hijab-debates-in-western-society>
- Mizel ،Omar. (2019). “MY HIJAB REFLECTS MY IDENTITY RATHER MY RELIGION”. Akademik Platform İslami Araştırmalar Dergisi 3/2 (August 2019)“209-217.
- Huntington ،Samuel P. (1996). The clash of civilizations and the remaking of world order. Library of Congress Cataloging-in-Publication Data.
- Scott,W. Richard. (1995) Institution and Organization“Sage Publications. p:6
- Silverman“1971.
- Sohail ،Sania & Anjum ،Gulnaz & Aziz ،Mudassar (2022) Hijab and enclotted cognition: The effect of hijab on interpersonal attitudes in a homogenous Muslim-majority context. ‘Published online: 05 Jun 2023. <https://doi.org/10.1080/23311908.2023.2219084>
- Tylor E. B. (1871). Primitive Culture: Researches Into the Development of Mythology ،Philosophy ،Religion ،Language ،Art and Custom. London: John Murray .
- Van Dijk T. A. (1993). "Principles of critical discourse analysis. " Discourse & Society “ 4 (2)“249-283 .
- Watt ،W. Montgomery. (1972). The Influence of Islam on Medieval Europe. Edinburgh: Edinburgh University Press .